

# تعزیه‌ها، سرآغاز نمایش ملی



پیشینه نمایش‌های مذهبی در جهان و  
مقایسه آنها با تعزیه

صادق همایونی



پرویشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

اینکه نمایش‌های مذهبی از آئین‌های کهن اعتقادی سرچشمه گرفته‌اند و اینکه آئین‌ها، اعم از مذهبی و غیرمذهبی نخستین پدیده‌های ذهنی بشرند جای هیچگونه شک و شبهه‌ای ندارد. چه انسان‌های بی‌پناه اولیه چون خود را در برابر پدیده‌های حیرت‌انگیز طبیعت نظیر ماه و خورشید و زلزله و رعد و برق و حرکت حیات و دگرگونی فصلها و رویش و رشد و خزان نباتات و طلوع و غروب ماه و خورشید و پیدا و پنهانی ستارگان می‌دیدند و از دیگر سر نیاز به لذت و قدرت و کسب روزی و آذوقه احساس می‌کردند و مرض و مرگ و تنهائی و اضطراب به هراسشان می‌انداخت دست به دامان آن پدیده‌ها که قوای لایزال و مافوق طبیعتشان می‌پنداشتند شد. و در مصاف مصائب و مشکلات از آنان یاری و کمک می‌طلبیدند چه با اندیشه‌های کودکانه‌شان آنانرا خدایان توانا تلقی می‌کردند. ماه را می‌پرستیدند و خورشید را ستاره و آتش و رعد و برق و غیره را و بدینگونه ستایش ارباب انواع و خدایان پدیدار شدند. برای ترضیه بیشتر آن خدایان به استغاثه می‌نشستند. فریاد می‌کشیدند، می‌رقصیدند و گاه در برابر آنها قربانی می‌کردند. قربانی‌ها گاه حیواناتی نظیر گاو و گوسفند و گاه دشمنان اسیر شده و گاه انسانهای خطاکار بودند که طی مراسمی خونشان را می‌ریختند. گاه بعضی از خدمه در وفات ارباب داوطلبانه آماده قربانی شدن می‌گردیدند استمرار شیوه‌های عبودیت در برابر خدایان موجد

آئین‌هایی شدند که خمیرمایه نمایشات مذهبی را دربرداشتند. چه اینگونه آئین‌ها در گذر زمان راه کمال پیمودند و با آوازخوانی و طبل و رقص و فریاد و جست و خیز همراه شدند. با مرور زمان برگزاری این مراسم به نقاطی که آنجا را به خدایان نزدیکتر تلقی می‌کردند انجامید و معابد ایجاد شدند. انجام این آئین‌ها، با تفاوت‌هایی در جوامع گوناگون و اولیه که در سرزمین‌های دور از یکدیگر می‌زیستند دیده می‌شود و امروزه نظر مردم شناسان و جامعه‌شناسان قاطعانه بر اینست که همین آئین‌ها موجد نمایش‌های مذهبی بوده‌اند و بررسی تاریخ نمایش در جهان نیز مظهر تأییدی است بر این اعتقاد.

استمرار آئین‌های اعتقادی در برابر خدایان در جوامع مختلف موجد تکامل آنها شده و استفاده از صورتکها و لباس‌های خاص و نیز اجراهای هیجان‌انگیزتر و پرشورتر نیز بر آنان مزیدگشته است. صورتکها در هر جا خاص آن دیار بوده‌اند و نیز هستند زیرا رنگها و تصاویر و اشکال و حالت چشم‌ها و گونه‌ها و غیره در بین هر جامعه‌ای مفهومی خاص را القا می‌کنند و مفهومی خاص را از وجود و هستی و کیفیت حیات بازگو می‌نمایند. طراحی‌های آنها فوق‌العاده متفاوتند. که این خود راه به تصورات، تخیلات، اعتقادات و طی تاریخ و جغرافیای هر دیاری می‌برد. به گونه‌ای که با مختصر آشنائی می‌توان تفاوت صورتکهای مکزیکی را از هندی یا چینی را از مصری باز شناخت. طرح و تصویر و رنگ صورتکها گاه به نژاد و نوع تغذیه و اوضاع جوئی یا منطقه‌ای نیز در ارتباط کامل است.

باری شکل‌گیری آئین‌های نمایشی در برابر خدایان نیز تابعی از شرایط جغرافیائی و تاریخی بشر بوده است که امروزه به وضوح تفاوت آشکار آنرا در اندیشه‌های متفاوت شرقی و غربی نسبت به حیات و زندگی می‌بینیم که بر آن اساس درون‌نگری فلسفه‌های شرقی و واقع‌نگری فلسفه و حکمت غربی مظاهری دیگر از تفاوت تفکرها و تفاوت برداشتهاست و بالاخره نمایش در التقای زمینه‌های

ذهنی، اساطیری، آئینی و اعتقادی و نیز قدرتهای خلاقه هر جامعه‌ای پدیدار شد. انجام رقص‌ها و تقدیم قربانی‌ها و ایجاد معابد و زمزمه اوراد به قصد راز و نیاز با خدایان، آوای موسیقی و نیز انجام مراسم دیگر در پرستشگاهها و معابد و نیز در برابر خورشید و ماه و آتش و جنگل و غیره که کلاً به صورت سنتی، گروهی و شفاهی بود تا بدانجا پیشرفت که به گفتار و پرسش و پاسخ انجامید و نمایش مذهبی ایجاد شد. هنری که به قول ارسطو می‌توانست تزکیه نفس را نیز به همراه داشته باشد. چنانکه بارتا که درباره کاتا کالی هند گفته از حمایت خدا برخوردار است و رحمت الهی است.<sup>۱</sup>

اولین متن نمایشی که تاکنون به دست بشر رسیده و جنبه مذهبی و اعتقادی تام و تمام دارد متعلق به مشرق زمین و سرزمین کهن مصر است. این نمایش از سری نمایش‌هایی است که به نام متون اهرامی *PIRAMIDTEXTS* معروف شده‌اند قدمت آنها به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد. این متون که بر دیواره‌های داخلی معابد نوشته شده‌اند راجع به رستاخیز مردگان است. متون فوق را از آن جهت نمایشی می‌خوانند که حاوی دستورات صحنه هستند و حتی گفتارهای اشخاص نیز جداگانه و به روش‌های نمایشی نوشته شده‌اند. بهترین مراسم نمایشی که در مصر باستان برگزار می‌شده مراسم آبی‌دوس *ABY DOS* بوده که از حدود ۲۵۰۰ تا حدود ۵۶۶ قبل از میلاد برگزار می‌شده مهمترین سندی که در این مورد برجای مانده متعلق به یکی از بازیگران این مراسم به نام کرنفرت *KHRNE FERT* است که در سال ۱۸۶۸ قبل از میلاد مأموریت داشته تا نمایشی برای این جشنواره تهیه کند. مراسم آبی‌دوس ترکیبی است از یک رژه مجلل صحنه‌های نمایشی و نمایش‌واره‌هایی از پیروزی. به نظر می‌رسد که این مراسم از مکانی به مکان دیگر حرکت داده می‌شده تا به معبد

اوزیریس OSIRIS در آیدوس می‌رسیده.<sup>۱</sup>

این آئین که آئین مصائب آیدوس نام دارد درباره مرگ و رستاخیز رب‌النوع اوزیریس است. براساس اساطیر مصری اوزیریس پسر گب GEB (زمین) و نات NUT (آسمان) به جای پدرش به فرامانروائی رسید و با خواهرش ایزیس ISIS ازدواج کرد. برادرش ست SET بر اثر حسادت به قدرت اوزیریس او را کشت و اندامهای مختلف او را در نقاطی مختلف در مصر مدفون ساخت اما ایزیس توانست اندامهای برادر را با یاری آنوبیس ANUBIS که بعدها رب‌النوع مومیائی شد از نقاط مختلف جمع‌آوری و اوزیریس را احیا کند. اما اوزیریس که دیگر توان ماندن در زمین را نداشت پس از آنکه بدنش در آیدوس دفن شد برای اقامت به زیرزمین رفت و در آنجا قاضی ارواح گردید بعد هوروس پسر اوزیریس با ست جنگید و امپراطوری پدرش را از او باز ستاند.<sup>۲</sup> این آئین همه ساله در مقدس‌ترین مکان مصر بین ۲۵۰۰ تا ۵۵۰ پیش از میلاد برگزار می‌شده... بعضی معتقدند که حوادث اصلی زندگی اوزیریس با آب و تاب بیشتری اجرا می‌شده و شامل جنگها، راهپیمائی‌ها و مراسم تدفین بوده و نقش‌های اصلی را روحانیون برعهده داشتند و از مردم به عنوان سیاهی لشکر استفاده می‌کردند، احتمالاً کل مراسم یا آئین‌ها هفته‌ها و بلکه ماهها به طول می‌انجامیده.<sup>۳</sup>

اهمیت این نمایش بیشتر از آنروست که این اعتقاد را بوجود آورده است که تئاتر یونان تحت تأثیر همین آئین‌های شرقی که در مصر و خاور نزدیک بوده است ایجاد

۱- گزیده‌ای از تاریخ نمایش در جهان - تألیف جمشید ملک‌پور - چاپ اول - زمستان ۱۳۶۳ - چاپ کیهان - ص ۶.

۲- تاریخ تئاتر جهان - اسکارگ براکت، ترجمه هوشنگ آزادی، ج اول، نشر نقره با مشارکت انتشارات مروارید، چاپ رستمنا ۱۳۶۳. ص ۴۸.

۳- همان مأخذ، همان صفحه.

شده و مهمترین مدرکی که برای اثبات این ادعا وجود دارد نوشته‌های هرودوت مورخ یونانی است که بین سالهای ۴۸۴ تا ۴۲۵ پیش از میلاد می‌زیسته و وی در دیداری که در سال ۴۵۰ پیش از میلاد از مصر به عمل آورده به مراسمی اشاره می‌کند و می‌نویسد دیونیسوس *DIONYSUS* خدائی که مراسم بزرگداشت آن در یونان اجرا می‌شود روایت دیگری است از اوزیریس<sup>۱</sup>. نکتهٔ دیگر اینست که در مصر و خاور نزدیک معبد به عنوان اقامتگاه خصوصی خدا شناخته می‌شد و تنها روحانیون بودند که هر روز مجسمهٔ خدا را که در معبد بود لباس می‌پوشاندند و به او غذا می‌دادند و با او چنان رفتای می‌کردند که تنها امپراطور شایسته آن بود... در طول سال در مواقعی خاص مجسمهٔ خدا از معابد بیرون آورده می‌شد و مراسم با حضور مردم در مسیرهای تعیین شده‌ای که بخصوص راه پیمائی بود برپا می‌گردید...<sup>۲</sup> و نیز از روزگار کهن مصر تصاویری به صورت حکاکی به دست آمده که مربوط به سال ۱۳۵۰ پیش از میلاد است و در آن تصاویری از نوازندگان، بازیگران و نوشته‌های قربانی دیده می‌شوند.<sup>۳</sup>

در سده‌هایی پیش از میلاد ستایش دیونیسوس که ریشه در شرق داشت به یونان راه یافت. بر طبق اساطیر یونانی دیونیسوس پسر زئوس *ZEUS* که برترین خدایان یونانی بود قطعه قطعه و باز احیا گردید. ستاینندگان او در پی تولد و بلوغ و احیاء و دگرگونی همراه با تحول فصلها و باروری مراسمی انجام می‌دادند و همه ساله جشنواره‌ای در ستایش دیونیسوس برگزار می‌کردند و تراژدی از همین مراسم نشأت گرفته است چه ریشهٔ تراژدی را مربوط به رقصی می‌دانند که گردهمایی برای ربودن

۱- همان مأخذ، ص ۵۰.

۲- ایضاً.

۳- گزیده‌ای از تاریخ نمایش در جهان، تألیف جمشید ملک‌پور، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۳، چاپ

کبهان، ص ۱۹.

گوشت بزی بود که در پیشگاه خدایان رخ می‌داد. این مراسم در آخر مارس هر سال برگزار می‌شد و در حقیقت مراسمی مذهبی بود که طی آن راه‌پیمائی‌های عظیم با شرکت بزرگان و گروهی که هدایائی را برای دیونی سوس می‌آوردند انجام می‌شد معمولاً پشت سر قربانیان حرکت می‌کردند و از معابر بسیار می‌گذشتند و آواز دسته‌جمعی می‌خواندند و موسیقی می‌نواختند و بالاخره در قربانگاه متوقف شده با رقص و انجام قربانی و تقدیم هدایا به پیشگاه دیونیسوس پایان می‌گرفت... که موجد نمایش‌هایی شدند که رویارویی خدایان با هم و نیز تقدیر و سرنوشت بود. در این نمایش‌ها مردان جای زنان بازی می‌کردند و از صورتکها استفاده فراوان می‌نمودند. آواز و موسیقی و تکنونوازی و بالاخره همسرائی از اجزاء تفکیک‌ناپذیر این نمایش‌ها بودند. شعر به موسیقی در آمیخته بود و هر دو توأمان از عوامل نمایش بودند. آنان در موسیقی از دستگاه‌های ویژه در مقاطع گوناگون سود می‌جستند. نمایشات دیونیسوسی در مکانهای گرد و دایره‌وار اجرا می‌شدند و معمولاً محل‌هایی که برای برگزاری این نمایش‌ها انتخاب می‌کردند در دامنه کوه قرار داشت. معروفترین نمایش‌خانه‌های یونان برای نمایش‌های دیونیسوسی در دامنه معبد اکروپولیس ACROPOLIS بود و بر این بودند که محل اجرای این نمایش‌ها به گونه‌ای به حریم خدایان نزدیک بوده و تقدس‌آمیز باشد.<sup>۱</sup> بازی‌ها ساده برگزار می‌شد و لباس نیز بلند و کتانی و ساده بود و از ماسک نیز استفاده می‌کردند.

در روم قدیم نیز در بدو امر، نمایش‌ها برای فرونشاندن خشم خدایان و خوشایند آنان و جلب رأفت و مهر و یاری آنان صورت می‌گرفت و همگی جنبهٔ مذهبی داشت. آنها به علت روحیهٔ خرافاتی‌شان حتی در برابر خدایان سایر ملل که به

۱- تاریخ نثائر جهان - استکارگ - براگت ترجمه هوشنگ آزادی، ج اول، نشر نقره، چاپ



نحوی با آنان آشنا می‌شدند نیز چنین بودند. کهن‌ترین آئین رومیان، لودی رومانی بود که در تکریم از ژوپیتر خدای خدایان و رب‌النوع کشاورزی و باران و از همه مهمتر نگاهبان سرزمین تلقی می‌شد و نیز جشنواره‌های دیگری از جمله پنج جشنواره در برابر پنج خدای دیگر از جمله رب‌النوع گل و باروری و رب‌النوع هنر و رب‌النوع زمین و رب‌النوع گندم و رب‌النوع مرگ با انجام دقاتی و ظرائفی حیرت‌انگیز برپای می‌داشتند و در اجرای آنها نهایت دقت به کار می‌رفت و می‌کوشیدند که به سهو یا عمد اشتباهی در مراسم رخ ندهند، چه هرگونه اشتباهی را موجب خشم خدایان پنداشته و از عواقب آن هراسناک می‌شدند از همین رو بعضی از آنها را بارها تکرار می‌کردند تا چنانکه شایسته است اجرا شود. نخستین تماشاخانه‌هایی که در روم بوجود آمد با مخالفت‌هایی روبرو شد، چه مردم نمایش را تنها مختص معابد و در برابر خدا می‌دانستند و از همین روی آنرا به معبد ونوس مرتبط ساختند.

در بیزانس مراسم عید پاک *EASTER* روز عروج مسیح به آسمان و نیز یکشنبه مقدس را با شکوه بر پای می‌داشتند و صلیب‌هایی از نخل می‌ساخته و به راه‌پیمائی می‌پرداختند؛ از کلیسایی به کلیسائی دیگر می‌رفتند و روز ورود مسیح را به اورشلیم گرامی می‌داشتند و حوادث آخرین روزهای زندگی حضرت مسیح را نشان می‌دادند و رنج و مصائبی که بر او روا شده بود از منظر بینندگان می‌گذراندند.

هند کهن‌ترین اثر زبان‌های هند و اروپائی را که شامل مجموعه‌ای از سروده‌های مذهبی صرف است داراست که در حدود سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد به صورت ریگ ودا *RIGVEDA* بوجود آمده و خواندن آنها پیوسته با آئین مقدس و اجرای مراسمی ویژه به همراه بوده است. آنان تا بدان حد برای نمایش تقدس قائل بودند که عقیده داشتند هنر نمایش را از خالق هنر یعنی برهما آموخته‌اند. نمایش‌های هندی عمدتاً "برای بزرگداشت خدایان برپا می‌شد و بالاخص اجرای



انها در مراسم بزرگی نظیر تاجگذاری یا عروسیها صورت می‌گرفت. طبل و موسیقی از ارکان آنها بود و آواز معمولاً آنها را همراهی می‌کرد. آوازهائی که خوانده می‌شد هر کدام در بردارنده و بازگویی حالتی خاص از احساسات و عاطفه بود. حرکات آنها بر مبنای علائمی قراردادی بود که بینندگان با آنها آشنائی داشتند، گاه از اشیاء نمادین نظیر خرطوم فیل به نشان فیل سود جسته می‌شد. ریشه و اساس نمایش کهن هندی اسطوره‌های دینی است. خدای خالق هندوان بره‌ماست *BRAHMA* که قسمتی از کتاب مقدس ودا را به نمایش و رقص اختصاص داده است. آنان برای هنرهای خود چنان ارزشی قائلند که منشأ همه را خدا می‌دانند. از جمله در مورد رقص معتقدند که یکی از خدایان بنام شیوا *SHIVA* دنیا را با جنب و جوش و حرکات خود آفریده نه تنها برهما و شیوا بلکه خدایان دیگری چون ویشنو را آموزگار بشر می‌شمارند. در رساله‌ای که با نام ناتیاشاسترا *NATIA SHASTRA* وسیله بهاراتا و به فرمان ویشنو فراهم آمده نمایش و رقص را دارای چنان پایگاهی می‌داند که فقط شایسته اجرا در براین خدایان است.

تفسیر کتابتاکالی نیز که صرفاً با جهان اساطیری پیوند دارد. شخصیت‌های افسانه‌ای و اساطیری و مذهبی را به نمایش می‌گذارد و در حقیقت رقصی است حامل نمایش‌های بسیار ظریف و فشرده و گره خورده و پر رمز و راز که حتی کوچکترین حرکات انگشت یا نگاه، معنا و مفهومی خاص را القا می‌کند و نیز به همین نحو است عنصر بهاراتا ناتیا.

این رقص‌های نمایش گونه و اساطیری و تقدس آمیز را در همه حال موسیقی هم‌زمان می‌کنند. محل اجرای آنها نخست در معابد بوده و ماسک نیز از عنصر این قسمتها جدا نشدنی ناپدید نرند ماسک‌هائی گاه بزرگ و بلند و پریچ و خم که همه اندام و سر را دربر می‌گیرد.

در چین نیز اولین جلوه‌های نمایشی به صورت رقص و آواز در معابد بوده که

راهبانی در معابد به روایت افسانه‌ها و داستانه‌های مقدس می‌پرداختند. اجرای نقالی‌ها نمایش‌گونه و همراه رقص و موسیقی و آواز بوده است.

در ژاپن نیز نمایش‌ها ریشه در مذهب و فلسفه و حکمت آن دیار دارند و همگی از معابد و مذهب آغاز شده‌اند. بعد از ورود مذهب بودا به ژاپن نوعی رقص با موسیقی بدانجا راه یافت و کم‌کم نمایش‌گونه‌ای در مجالس زاد روز بودا و نیز در مراسم درگذشت بزرگان و بعداً برای همه مردگان به اجرا درآمد. در این نمایش‌ها از رقص و آوازهای مذهبی و نوعی رقص چینی که در ژاپن پذیرفته شده و نضج گرفته سود جسته شده است. همین نمایش‌ها بودند که موجب نمایش *NOH* که از پدیده‌های بسیار جذاب و زیبای نمایشی جهان است شدند و فصلی درخشان در هنر نمایشی ژاپن آغاز کردند. موجب نمایش‌های مذهبی ژاپن زنان راهبی بودند که در معابد به کار رقص و نمایش اشتغال داشتند.

در کشورهای اروپائی پس از سقراط امپراطوری روم در سال ۴۷۴ میلادی کلیسا بر جامعه حاکم شد و از ناحیه کلیسا مخالفت‌هایی با نمایش و نیز نمایش‌های مذهبی آغاز گردید، ولی پس از مدتی نمایش‌های مذهبی به گونه آئین با الهام از عشاء ربانی در خود کلیساها پدیدار شد. در حقیقت در قرن دهم بود که مراسم به صورت خواندن آوازها به لویا<sup>۱</sup> هاله الویا *ALLELUIA* به طور توالی و توسط گروه همسرایان بود و در آن زمان کشیش موسیقیدان گمنامی به این فکر افتاد که برای جذابیت بیشتر آخرین سیلاب آواز را نگهداشته و آنرا با موسیقی ارائه بدهد به تدریج این قطعات بدون کلام به نواهای زیبا و جذابی تبدیل شد که نخست بالای بوس *BABULUS* موسیقیدان بود که برای این قطعات بدون کلام انجیل را مورد استفاده قرار داد و برای اولین بار موسیقی و کلمه در کنار هم قرار گرفت و طولی نکشید که این جملات توسط همسرایان جدا و پس و پیش شده حالت مکالمه به

۱- هاله لویا در اصل کلمه‌ای عبری است و به معنی و مفهوم خدا را سپاس است.

خود گرفت. از اینگونه مکالمات نمایشی را می‌توان از گفتگوی چوپانی‌ها و فرشتگان در تولد مسیح و یا *THE QUESTIONS AND ANSWERS OF THE ANGELS AT THE BIRTH OF CHRIST* سؤال و جواب فرشتگان بر مزار مسیح نام برد و بدین ترتیب اولین و مؤثرترین و مهمترین عنصر نمایشی که ایجاد مکالمه باشد خلق شد که هدف اصلی از انجام چنین زینت آرائی جذب و جلب و افزودن رغبت توده بی‌سواد به کلیسا و تعالیم مذهبی بود... و کم‌کم نهضتی برای نمایش‌های مذهبی در کشورهایی مانند آلمان، انگلستان، فرانسه، یونان و رم با حمایت کلیساها و روحانیون ایجاد شد و برپائی نمایش‌های مذهبی در محوطه کلیساها رونق گرفت. موضوع نمایش‌ها قصه‌ها و روایات انجیل بود. در این نمایش‌ها سرود و آوازهای دسته‌جمعی و روایات درهم آمیختند و تعزیه‌های مذهبی درهمه جا باب شد<sup>۱</sup>

بعد از توسعه و رشد تعزیه‌ها اینگونه نمایش‌ها به نمایش‌های سیکل (ادواری) *CYCLE* و غیر سیکل *NON CYCLE* تقسیم شدند نمایش‌های سیکل همگی از روایات، قصه‌ها، اسطوره‌ها و حوادث انجیل اخذ شده و به مرگ و رستاخیز مسیح و یارانش می‌پرداختند و نمایش‌های غیرسیکل موضوعات اخلاقی و فولکلوری را دربرداشتند.

در اینجا موضوع یکی از تعزیه‌های مذهبی را که مربوط به آلمان قرن سیزدهم است می‌آورم تا نحوه شکل‌گیری آنها از حیث حوادث و تاریخ مذهبی و تخیل و اعتقادات آشکار شود. این تعزیه شامل این موارد بوده است. تدفین حضرت مسیح، درخواست روحانیون اعظم یهودی از پلاتوس برای نگاهبانی قبر آن حضرت، موافقت پلاتوس با گماردن سربازان گمنام رومی بر این کار و دادن پول به آنها، ظهور فرشته‌ای در کنار مقبره خرید روغن و مرهم برای تطهیر پیکر عیسی توسط

۱- گزیده‌ای از تاریخ نمایش در جهان. جمشید ملک‌پور، چاپ اول زمستان ۱۳۶۲. چاپ کیهان و

مریم مادر و مریم مجدلیه و بارگشت آنها به مقبره، عروج عیسی به آسمان، گزارش دادن واقعه توسط سربازان به روحانیون اعظم یهودی، درخواست روحانیون از سربازان برای اینکه اعلام کنند که جسد حضرت عیسی دزدیده شده است. خبر دادن واقعه از طرف مریم مجدلیه به پیتر و جان دو تن از حواریون. ملاقات مریم مجدلیه با عیسی که به جامه باغبانی درآمده. همراهی دو فرشته با عیسی و رفتن آنها به دم دروازه جهنم برای رهائی روح‌هایی که در آنجا زندانی شده‌اند و بالاخره اعلام رستاخیز حضرت عیسی توسط مریم مقدس و حواریون به مردم.<sup>۱</sup>

این تعزیه‌ها به نثر بودند تنها به نوعی تعزیه که از متون مذهبی سرچشمه گرفته بودند در المان و فرانسه - در قرون وسطی و برمی‌خوریم که متن آنها به شعر ولی اشعاری خام و ناپخته و سطحی داشته و فرس قرون وسطائی *AGE MIDDLE FARS* *THE* نام داشته که بعدها راه دیگری در پیش گرفتند و به مسائلی دیگر پرداختند.

در آن زمان برای اجرای تعزیه از سکوه‌های ثابت و سکوه‌های بسیاری که با الهام از محراب‌های کلیسا ساخته شده بود استفاده می‌کردند. تصاویر متعددی از اینگونه تعزیه‌ها در دست است.

درباره پیشینه نمایش‌های مذهبی در بابل و ایران در کتاب علم ازمه و تواریخ قدیمی آسیای غربی و مصر<sup>۲</sup> چنین آمده است: «در هر سال ضمن جشن‌های نوروز مرگ و رستاخیز بعل *BEL* خدای بابلیها هم‌ردیف زئوس *ZEUS* یونانی و *BAAL* فنیقی نمایش داده می‌شد. این جشن‌ها دو قسمت داشته یکی ذکر مصائب و مناقب خدا و دیگری تظاهرات سمبلیک روحانیون در تمام بابل *BABYLONE* و شهرهای دیگر آن سامان خدا در دنیای دوزخی زندانی بود. جسد تکه پاره‌اش که خون از

۱- همان مأخذ.

2- P. VanderMeer, The Ancient Chronology Of Western Asia and Egypt. Liden.

جراحات آن روان بود در کفن پیچیده و در مقبره‌ای که عده‌ای آنرا محافظت می‌کردند قرار داشت مادرش در کنار او به خدایان استغاثه می‌کرد و در همان مقبره یک نفر جنایتکار را که روز هشتم ماه سر بریده بودند به صورت خوک مسخ شده درآورده بودند. نوری که از روزنه در مقبره بدورن می‌تابید نشانی از پیروزی خدایان آسمانی بر خدایان دوزخی و همچنین رستاخیز آینده مرده داشت. خدایان دیگری هم در این واقعه نشان داده می‌شدند مانند نابو *NABU* که چون نتوانسته بود از مرگ بعل جلوگیری کند و نخوارسته بود که همراه او به آن دیار برود و به بارسینا *BARSIPA* و سپس به بابل بازگشته بود و هم چنین الهه‌ایکه بابل به جهنم نزول کرده بود و عیشتار دروش *ISHTAR DE ROCH* (ورونای کنونی) و عیشتاری دنیو *ISHTAR DE* *NIVE* که مظهر خدای مرده بود و بلقیس *BELTIS* همسر او که برای جستجوی جسد شوهرش به جهنم رفته بود و لباس عزا بر تن داشت و جسد تکه پاره بعل را که لباس و پاپوش خدائی به او پوشانده بودند محافظت می‌کرد و گولا *GOLA* که نسکو *NUSK* را برای اعلام مرگ بعل نزد خدایان فرستاده بود.

روزی که این مراسم در معبد برگزار می‌شد تشریفات و اجتماعات دیگری در کوچه‌های بابل صورت می‌گرفت. روحانیون و مؤمنان در حالیکه فریادهای جان خراشی برمی‌کشیدند در شهر گردش می‌کردند. عده‌ای با صورتهای خون‌آلود زخمها و جراحات خدا را به نظر می‌رساندند. همگی در برابر مجسمه نابو ندبه و زاری می‌کردند و تمام گنجینه‌های معبد بعل را خالی کرده و کفن او را به معرض نمایش می‌گذاشتند. مردم سرودهای مذهبی می‌خواندند و با خدایان آسمانی استغاثه می‌کردند. سوارها در حالیکه نوحه‌خوانان دنبال اشیاء متبرکه خدای متوفی روان بودند در عقب آنها می‌رفتند و در کوچه‌ها می‌دویدند و تظاهر به جنگ و جدال می‌کردند و در آخر نمایش یک ازابه را با اسبهای عنان گسیخته بدون راننده در کوچه‌های شهر رها می‌کردند.

تظاهرات نمایشی در مدت یازده روز اول ماه نیرسان نخستین سال تمدن خط میخی به وقوع پیوست. نقش‌های مختلف را روحانیون بر عهده داشتند و نقش بعل را اغلب شخص پادشاه بازی می‌کرد برای نشان دادن غولهای افسانه‌ای از حیوانات درنده استفاده می‌کردند.

ایرانیان در آن روزگار همین مراسم را به عمل می‌آوردند النهایه تنها میترا (مهر) از خدایان آریائی جای بعل را می‌گرفت.<sup>۱</sup>

مردم ایران در زمان ساسانیان در هر واقعه مهمی از زندگی می‌رقصیدند، نه تنها در موقع تولد و ازدواج بلکه در برگزاری مراسم مرگ هم موقعیتی برای خودنمایی نمایش‌گونه‌ای بوده است در مراسم تدفین گرد نقش می‌رقصیدند و ادا درمی‌آوردند و مرگ را سفر روح به آسمان تلقی کرده آداب مذهبی به جای می‌آوردند. آمین مارسلن *AMMIEN MARCELIN* یکی از مجالس رقص اینگونه را به شاپور اول پادشاه ساسانی به مناسبت مرگ یکی از جوانان طبقه نجبا در آن حضور داشته شرح داده است. مرگ یک شخص عادی نیز با موسیقی و رقص که جزء تشریفات عزاداری بود برگزار می‌کردند گاهی یک آواز دسته‌جمعی می‌خواندند و رقص هم بدان اضافه می‌کردند و این بازی نمایش‌گونه را دسته‌بند می‌خواندند و ظاهراً چنین بوده است که دست یکدیگر را می‌گرفته‌اند و به شکل حلقه درآمده می‌رقصیده‌اند. حلقه رقص نیز متحرک بوده و تغییر مکان می‌داده<sup>۲</sup>. لغت دسته‌بند که در کتاب شعر ارسطو با اصطلاح آواز دسته‌جمعی *LE CURE* به کار برده شده توسط فارابی و ابن سینا به همان لغت اصلی یعنی رقص الدسته که ریشه و کنیتی فارسی داشته و تا حدی جنبه مذهبی را القا می‌کرده برگردانده شده است و با همین مفهوم چه بسیار که شعرا از آن

۱- بنیاد نمایش در ایران. دکتر جنتی عطائی، چاپ دوم، ۱۳۵۶، انتشارات صفی‌علیشاه صص ۵ و

۶ و ۷.

۲- همان مأخذ. صص ۱۶ و ۱۷.



سود جست‌اند. «در زبان ساسانیان کثر یا دسته بند یک نقش مذهبی بر عهده داشته. خنیاگران دور معبد آتش جمع می‌شدند و روزی پنج دفعه گاتها (سرودهای مذهبی) را که از اوستا انتخاب می‌شد با آهنگ می‌خواندند. این آوازخوانان همیشه از میان جوانان وسیله مغ‌ها انتخاب می‌شدند و لباسهای مخصوص که سفید یا ارغوانی بود به آنها پوشانده می‌شد گاهی دسته‌بند همراه یک دسته مذهبی بود.<sup>۱</sup>

در ایران قدیم به نحوی که از متن ایاتگار زرایران برمی‌آید<sup>۲</sup> نمونه‌ای درخشان از یک واقعه ملی مذهبی را به صورت تعمیه می‌بینیم: و مراسم کین سیاوش و کین ایرج که کم و بیش درباره آنها در کتب و مقالات متعدد اشاره شده یا مراسم اگناکارتا بر مبتای حادثه قتل مغ گنومات به دست داریوش که در همه ایران مراسمی انجام می‌گرفت و در آن روز مغان از خانه بیرون نمی‌آمدند، جلوه‌هایی از نمایش‌های ملی و مذهبی ایران را دربردارند. اتفاقاً یکی از سیاحان چینی که پیش از اسلام به ایران آمده شرح مبسوط و مفصلی را درباره انجام مراسم این روز در ایران به رشته تحریر درآورده یا مراسم و آئین‌های ستایش مهر در دوران باستان که ویژه این دیار بود و بعد با دگرگونی‌هایی به غرب و سایر ملل راه یافت ولی متأسفانه مورخین و محققین غربی (جز چند تن) بسیار کوشیده‌اند و حتی اصرار ورزیده‌اند بر اینکه ایران کهن و پیش از اسلام فاقد پدیده‌های نمایشی اعم از مذهبی یا غیرمذهبی بوده و همه هر چه هست میراث غرب است و حال آنکه «از زمان ساسانیان متنی درباره نمایش باقی مانده که در کنار یادواژیک *PADVAZIK* (آوار سرود - چغانک) مکالمه دو نفری موزون جا دارد و پتواژگفتن نامی است که ساسانیان به هنر نمایشی خود داده‌اند و

۱- ابضا<sup>۱</sup> همان ص ۱۸.

۲- به کتاب یادگار زریران (متن پهلوی) با ترجمه فارسی و آوانویسی لاتین و سنجش آن با شاهنامه، از دکتر یحیی ماهیار نوایی، چاپ اول، ۱۳۷۴، ناشر اساطیر مراجعه شود.



میتواند در مطالعات  
تأثیرات آن

بازیگر پتواژگویی خوانده می‌شود که معنی تحت‌اللفظی آن پاسخ‌گوست.<sup>۱</sup> سعید نفیسی معتقد است که بار در اصطلاح همان کلمه ایست که در زبان ارمنی باقی مانده و به معنی رقص به کار برده می‌شود و بار بد به معنی رئیس دسته رقصان و دسته‌های بالت به اصطلاح امروز است و مهدی برکشلی موسیقی‌شناسی برجسته ایرانی بر آنستکه موسیقی گریگورین *GREGORIEN* که توسط کلیساهای کاتولیک رم از قرن ششم حفظ شده نمونه‌ای از موسیقی ساسانی را به دست می‌دهد.<sup>۲</sup> دلائل و شواهد متقنی دال بر وجود نمایش و حتی تماشاخانه در ایران پیش از اسلام و ایران باستان وجود دارد. از جمله ایران در چهار راه ممالک بزرگ آن زمان قرار داشته و علاوه بر مایه‌های غنی فکری و هنری در ملتقای فرهنگهای زنده و پویای آن روزگار که تمدنهای چینی و بیزانسی و مصری و هندی قرار داشته و خودنیز از آبشخور تمدن و فرهنگ بابل و آشور که مهد تمدن اولیه بشریت، از حیث شهرنشینی و ایجاد خط بوده بسیار بهره‌مند شده است. پویائی فرهنگ ایران را از تعداد جشن‌ها و مراسم ماهیانه و سالیانه‌ای که به مناسبت‌های مختلف مذهبی و فصلی و فردی و اجتماعی برپای می‌داشتند می‌توان دریافت. و یا می‌بینیم که در میان همه ملل جهان آن روزگار این تنها ایران و تنها ایرانیان بوده‌اند که خیلی زودتر از سایر ملل از خدایان متعدد اساطیری روی برگردانده‌اند و به وحدت و آسمان گرویده‌اند که این خود از نظر ارزش اجتماعی و تاریخ تمدن مسأله کوچک و کم اهمیتی نیست. پلوتارک در تاریخ خود از وجود نمایش‌خانه‌ها در کرمان و همدان به هنگام ورود اسکندر به ایران سخن می‌گوید.

حال چگونه می‌توان پذیرفت که در ایران نمایش مذهبی یا ملی وجود نداشته

۱- بازیهای ساسانیان، محمدتقی بهار، مجله تعلیم و تربیت، سال چهارم، شماره ۱۱، چاپ

تهران ۱۹۳۵.

۲- بنیاد نمایش در ایران. ص ۳۴.

در حالیکه به وضوح تأثیر گیل گمش را در اثری چون ایللیاد و ادیسه می‌بینیم. دارمستتر نیز از معدود مورخینی است که معتقد است چون شاهنشاهی ساسانی بین ۳ امپراطوری بزرگ آن زمان یعنی بیزانس و چین و هند قرار داشته به مدت چهار قرن مرکز تبادل افکار و اندیشه بشریت بوده است.<sup>۱</sup> این واقعیتی است که مرحوم قزوینی به زبان آورده که به واسطه جنگ‌هایی که در قدیم بین ایران و یونان و روم واقع شده مورخین این دو ملت بالطبع با ایران عداوت داشته‌اند و سعی می‌کرده‌اند که آن جنگ‌ها را برای تشفی قلب خود از قبیل تاخت و تازهای امم و حشیه بر ملل متمدنه قلمداد کنند و تمدن ایران را نسبت به تمدن یونان و روم پست‌تر نمایند.<sup>۲</sup> به شهادت همین مورخین از جمله استرابون پارس‌ها اولین ملتی هستند که یونانی‌ها را تابع کردند. هنوز تصویر والرین که خم شده تا شاه ایران بر پشت او پای نهد و سوار بر اسب شود سرسنگ‌های این خطه برجاست و به قول نویسنده کتاب بنیاد نمایش در ایران اگر تمدن ما برتر از تمدن یونان نبود، یا فرهنگ ما از غنای بیشتری بهره‌ور نبود هرگز ایشیل *ESCHYLE* که در سالهای ۵۲۵ تا ۴۵۶ پیش از میلادی می‌زیسته و پدر تراژدی یونان لقب گرفته و سراینده اثری چون پرومته در زنجیر است به پرداختن نمایشنامه ایرانیان آنهم در دم ایرانیان نمی‌پرداخت و مگر نه اینکه پس از تسلط ایران بر یونان به موجب کتیبه داریوش، آن کشور یکی از ۴۹ ساتراپ ایران تلقی شد، روایات بسیاری وجود دارد برای اینکه ایرانیان علاوه بر استفاده از طبل و کرنا و آلات دیگر موسیقی در هنگام جنگ و لشکرکشی در ساعات فراغت و استراحت سربازان برای آنان نمایش‌هایی به اجرا درمی‌آوردند. در حقیقت زمانیکه

۱- مجله مردم شناسی - سخنرانی دکتر محسن مقدم در انجمن فرانکو ایرانی. به زبان فرانسه، تحت عنوان مبانی اعتقادات عامه در ایران، ترجمه پورحسینی، دوره دوم، شماره مهر و آبان و آذر

یونانیان و رومیان به راه افتادند، ایرانیان راه دو رو درازی را در نیل به تمدن آن روزگار طی کرده بودند و ملتی بودند که به قول کنت گوینو پیش از آنکه اسکندر ایران را یونانی کند. یونان را ایرانی کرد ولی متأسفانه آثار نمایشی ایران از میان رفته است و هنوز به آن چنان مدارک معتبری که شایسته و بایسته است دست نیافته‌ایم. پس از اسلام آوردن ایرانیان نیز یک گسستگی غم‌انگیز و دردناک فرهنگی و اجتماعی بین ایران پیش از اسلام و ایران بعد از اسلام بوجود آمده و به ویژه در مورد هنرها و بالاخص برپائی نمایش‌ها موانع و مشکلات فراوان ایجاد شد و در قرن دوم هجری قمری که موج ترجمه آثار باقیمانده از حوادث و آتش‌سوزی‌ها و با آب شستن‌های کتب به زبان عربی صورت گرفت بسیاری از آثار اصیل و درخشان که جان سالم بدر برده بودند بی‌آنکه رعایت امانت درباره آنها بشود و بی‌اشارتی به نام مؤلف یا صاحب اثر و یا نویسنده به نامهای مجعول و یا به عنوان آثاری یونانی ترجمه شدند که این خود آفتی دیگر بود که بر فرهنگ ایرانزمین وارد شد و اثر آن نه تنها از بیرون بلکه از درون تهی و تهی‌تر کرد چنانکه در مورد دسته‌بند گفته شد یا کتابی چون فرسنامه که به نام ارسطو به عربی ترجمه شد و یا معلوم نشد پزشکان و کلماتی که در جندی شاپور بودند با آن کتابخانه عظیم و در همان قرن به بغداد رفتند چه کردند. مسلم است که با این شرایط و اوضاع و احوال نمایش‌های مذهبی که گوشه‌ای نمودهای فکری و هنری مردم این دیار بودند و با اعتقادات کهن آنان بستگی داشت متروک شدند و چون درختانی کهن در اثر طوفانها خشک گردیدند تا بالاخره در قرن چهارم هجری نخستین پدیده‌های آئینی بر مبنای آئین نو مردم و براساس فاجعه اسفبار و غمناک کربلا پدیدار شد. گوئی از ریشه عمیق جوانه‌هایی سرزد و با انجام آئین‌های عاشورائی و سینه‌زنی‌ها و عزاداریها و حرکت و دستجات و حمل علائم گوناگون محیط آماده شکوفائی نمایش مذهبی گردید و در زمان کریم‌خان زند که کشور در آرامش و سکون و امنیت بود. آئین‌های به بار نشسته تعزیه را به عنوان

نمایش مذهبی به جامعه عرضه کرد و پس از آن راه رشد و نمو تا بدان حد پیمود که در زمان قاجاریه به اوج خود رسید که متأسفانه با سرعتی باور نکردنی در اثر علل و عوامل گوناگون و بسیار سقوط کرد و اینک فقط نمونه‌هایی از تعزیه‌ها و آنهم بر مبنای نسخی که باقیمانده است پس از یک سکوت و فترت طولانی راه احیاء می‌پوید.

بین تعزیه‌های ایرانی و تعزیه‌های کهن و قرون وسطائی سایر ملل به ویژه غرب، مشابهت‌ها و مغایرتهای فراوانی وجود دارد که موارد زیر را از جمله مشابهت‌ها می‌توان برشمرد.

- در همه جا تعزیه‌ها از آئین‌ها سرچشمه گرفته‌اند و آئین‌های هر قوم و ملتی بر مبنای دین و مذهب و اسطوره‌ها و اعتقادات آنهاست.
- آداب و رسوم و سنت‌های هر ملتی که ویژه آن ملت است شدیداً تعزیه‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند.
- حوادث مهم مذهبی و تاریخ مذهب و سرنوشت اولیاء دین و پیامبران در همه جا اساس و کارمایه تعزیه‌ها هستند و معمولاً اسطوره‌ای تاریخی به گونه‌ای دیگر در نمایشات متجلی می‌شوند.
- استفاده از موسیقی و آواز اصولی تفکیک‌ناپذیر از تعزیه‌اند.
- همسرایی و تک‌خوانی و استفاده از دستگاهها در تعزیه‌های ایرانی و تعزیه‌های کهن سایر ملل به ویژه در پیش از قرون وسطی در غرب وجود داشته‌اند.
- کسیکه موضوع اصلی تعزیه است مورد احترام و تقدیس است.
- تعزیه‌ها در دوران کهن و در همه جا و نیز در ایران در ایام و ماههای معینی از سال برپا و برگزار می‌شود.
- تعزیه‌ها در همه جا راه تکامل پیموده‌اند و قدم به قدم جلو رفته‌اند و تعزیه‌های نخستین در همه جا خام بوده‌اند.

- وجود پیش‌واقعه‌ها و گوشه‌ها در همه جا از ضروریات مجالس تعزیه‌اند.
- تعزیه‌ها از لحاظ متن، چه نحوه اجرا و چه هدف و غایت مسائلی یکسان را دربرمی‌گیرند.
- بین تعزیه سرایان و تعزیه‌نویسان و تعزیه‌خوانان و بینندگان و شرکت‌کنندگان در مجالس هماهنگی تام و تمام عقیدتی و مذهبی وجود دارد.
- عدم استفاده از زنان در اجرای نقش‌های زنان و اجرای آنها و نقش آنان و سیله مردان.
- عدم استفاده از چهره‌آرائی و اما مغایرت‌ها.
- در تعزیه‌های سایر ملل از ماسک به حد و فور استفاده می‌شود و حال آنکه در تعزیه‌های ایرانی فقط در تعزیه‌های شاد و مضحک یا صحنه‌های شادی افزای انتقادی از ماسک استفاده می‌شود.
- ایجاد تعزیه در ایران وسیله توده واقعی مردم و ایجاد تعزیه‌ها در بین سایر ملل از بطن معابد مذهبی و وسیله روحانیون یا راهبه‌ها.
- استفاده از اشیاء واقعی و سمبلیک و نیز تخیلی توأمان در تعزیه‌های ایرانی و عدم استفاده از این امکانات در تعزیه‌های سایر ملل.
- دایره‌وار نشستن به گرد میدان و نعل‌وار یا یک طرف نشستن در محل اجرا اولی و ویژه تعزیه‌های ایرانی و دومی شیوه بینندگان تعزیه‌ها در بین سایر ملل است و در نتیجه عدم فاصله بین تعزیه‌بینان و تعزیه‌خوانان ایرانی و وجود فاصله بین تعزیه‌خوانان و تعزیه‌بینان سایر ملل.
- اجرای کامل و دقیق دستگاه‌های موسیقی اصیل ایرانی وسیله تعزیه‌خوانان ایرانی در مقاطع مختلف و تغییر دستگاه آواز به مناسبت تغییر وضعیت متن و حادثه و پای‌بندی به این اصل که در همان دستگاهی که تعزیه‌خوانی می‌خواند

پاسخگو نیز باید در همان دستگاه جواب دهد. انتخاب و نوع دستگاه اگرچه به صورت قراردادی بر عهده تعزیه‌خوان اول است یعنی کسیکه سوال را آغاز می‌کند یا به ذکر روایت یا حادثه‌ای پرداخته و از همین روست که هر نقشی آهنگ و دستگاه ویژه خود را دارا است که عدول از آن جایز نیست و حال آنکه در تعزیه‌های سایر ملل تا بدین حد موسیقی و دستگاهها مطمح نظر نیستند.

● سرشار بودن شعر تعزیه از همه عناصر شعری اعم از حماسی یا غنائی یا نمایشی یا آموزشی و فقدان این ویژگی در اشعار تعزیه‌های کهنی که فن شعری داشته‌اند.

● تعزیه‌ها به کلی نثر نیستند و اگر تعزیه‌ای ایرانی به نثر باشد. آنرا نمی‌توان تعزیه تلقی کرد.

● در تعزیه‌های ایرانی از دکور استفاده نمی‌شود.

● تعزیه‌ها در همه جهان موجد نمایش‌های ملی هر جامعه‌ای بوده‌اند که متأسفانه زمانیکه تعزیه‌های ایرانی این امکان بالقوه را یافته بود به لحاظ عدم درک و عدم شناخت این قدرت و در اثر بی‌فرهنگی و عدم آشنائی با زمان وسیله خود تعزیه‌گردانان به راه سقراط افتاد و مضحمل شد.

شیراز - اردیبهشت ماه ۱۳۷۹.



## منابع و مآخذ

- براکت - اسکار کروس - تاریخ تأثر جهان - ترجمه هوشنگ آزادی - جلد اول - رمستان ۱۳۶۲. چاپ کیهان.
- بهار - محمدتقی (ملک الشعرا) - بازیهای ساسانیان - مجله تعلیم و تربیت - سال چهارم - شماره ۱۱ - ۱۳۲۵.
- تاج‌بخش - حسن - تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران - ج اول - ایران باستان - انتشارات سازمان دامپزشکی کشور با همکاری انتشارات دانشگاه تهران - بهمن ۱۳۷۲ - چاپ نیلوفر.
- جنتی عطائی - ابوالقاسم - بنیاد نمایش در ایران - چاپ دوم - ۱۳۵۶ - انتشارات صفی علیشاه.
- ماهیار نوابی - یحیی - یادگار زریبران (متن پهلوی - با ترجمه فارسی و آوانویسی لاتین و سنجش آن با شاهنامه - چاپ اول - ۱۳۷۳ - ناشر اساطیر.
- مقدم - محسن - مبانی اعتقادات عامه در ایران - بزبان فرانسه - ترجمه پورحسینی، مجله مردم‌شناسی - دوره دوم - شماره مهر و آبان و آذر ۱۳۲۶.
- ملک پور - جمشید - گزیده‌ای از تاریخ نمایش در جهان. ج اول. زمستان ۱۳۶۲ - چاپ کیهان.
- مجله ایرانشهر. شماره ۲ سال چهارم.
- مجله طاووس - شماره اول - پائیز ۱۳۷۸.
- P. Vander Merr The Ancient Chronology Of Western Asian And Egypt, Liden, 1940.

● مجله نمایش - تاریخ تئاتر - پیدایش تئاتر در یونان - انتشارات مرکز هنرهای نمایشی وزارت ارشاد اسلامی - شماره اول، مهرماه ۱۳۶۲.

● مجله نمایش - تاریخ تئاتر - تئاتر در روم قدیم - انتشارات مرکز هنرهای نمایشی وزارت ارشاد اسلامی - شماره دوم - آبان ماه ۱۳۶۲.

● مجله نمایش، تاریخ تئاتر - تئاتر در قرون وسطی - انتشارات مرکز هنرهای نمایشی وزارت ارشاد اسلامی، شماره سوم آذرماه ۱۳۶۲.

● مجله نمایش، تاریخ تئاتر، تئاتر الیزابتین. حکومت کلمات بر صحنه - انتشارات مرکز هنرهای نمایشی وزارت ارشاد - شماره چهارم - دی ماه ۱۳۶۲.

● فروغ - مقایسه تعزیه‌های ایران با تمایزهای مذهبی اروپا. مجله مردم‌شناسی از انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور - مجله ماهانه - شماره چهارم و پنجم - بهمن و اسفندماه ۱۳۲۵.

● بیضانی - بهرام - نمایش در ایران - ۱۳۴۴ - چاپ کاویان.

● ضیاءپور - جلیل - مختصر تاریخ هنر ایران و جهان - ج ۱ و ۲ - به کوشش محمدحسین

اثباتی - چاپ جهاد دانشگاهی هنر - ج اول، ۱۳۷۷.